

رسانه و فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوفصلنامه علمی - پژوهشی، سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ۱۷۳-۱۹۷

بررسی نقش هالیوود در تشدید ایران‌هراسی پس از انقلاب اسلامی ایران

محمد رضا قاسمیان*

رضیه موسوی فر**، حمید ضیایی پرور***

چکیده

موضوع مورد بررسی در این پژوهش پدیده ایران‌هراسی است که در سال‌های اخیر، دامنه وسیع تری از رسانه‌ها، از جمله سینما، را در بر گرفته است. بررسی فیلم‌های سینمایی ساخته شده در هالیوود که به نحوی با ایران مرتبط بوده اند نشان می‌دهد در این فیلم‌ها ایران به مثابه «دیگری فرودست» غرب نشان داده شده است. در این راستا فیلم‌های آمریکایی ساخته شده پیرامون ایران از سال ۱۹۷۹ به بعد و تاثیر آنها بر تشدید ایران‌هراسی مورد مطالعه قرار گرفت و سه فیلم «آرگو»، «سنگسار ثریا» و «بدون دخترم هرگز» با روش تحلیل محتوای کیفی مطالعه شدند و از تلفیق سه دیدگاه نظری: بازنمایی، مطالعات پسااستعماری و نظریه شرق‌شناسی نیز برای پایه تحلیل استفاده شد، تا به این پرسش پاسخ دهد که «نقش هالیوود در تشدید ایران‌هراسی پس از انقلاب اسلامی ایران چگونه بوده است؟». نتایج و دستاوردهای بدست آمده حاکی از تأیید فرضیه پژوهش است هالیوود با تصویرسازی منفی از جمهوری اسلامی نقش بسزایی در تشدید ایران‌هراسی داشته است.

کلیدواژه‌ها: ایران‌هراسی، اسلامی‌هراسی، شیعه‌هراسی، هالیوود، انقلاب اسلامی ایران.

* کارشناسی ارشد علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، خراسان رضوی (نویسنده مسئول)،

mr.ghasemian@yahoo.com

** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه حکیم سبزواری، mosavyfar@alumni.ut.ac.ir

*** دکترای تخصصی علوم ارتباطات، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، hziaee@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۰۸

۱. مقدمه

امریکا از سینما به عنوان یکی از اجزاء قدرت نرم خود بهره برده و یکی از قدرتمندترین و تاثیر گزارترین سینماهای جهان را دارد. امریکا از این قدرت نرم استفاده نموده و از آن در جهت اهداف دیپلماسی خود در مقابل سایر کشورها استفاده می نماید و از همین روند در مقابل کشور ما و مسلمانان نیز بهره جسته به گونه ای که این روند بعد از انقلاب ایران و تسخیر سفارت امریکا در ایران نمود بیش تری داشته است. در سال های اخیر، شاهد برجسته تر شدن تصویر ایرانیان و مسلمانان در رسانه های غرب، مخصوصا هالیوود بوده ایم، تصویری که نزد اغلب ایرانیان و مسلمانان، ناخوشایند، غیرمنصفانه، اغراق آمیز، مخدوش و کلیشه ای جلوه کرده و نزد دیگر مخاطبان، به ویژه مخاطبان غربی، تهدیدآمیز، افراط گرایانه، مشارکت گریز و آشفته بوده است. امریکا از این قدرت نرم استفاده نموده و از آن در جهت اهداف دیپلماسی خود در مقابل سایر کشورها استفاده می نماید و از همین روند در مقابل کشور ما و مسلمانان نیز بهره جسته به گونه ای که این روند بعد از انقلاب ایران و تسخیر سفارت امریکا در ایران نمود بیش تری داشته است. در سال های اخیر، شاهد برجسته تر شدن تصویر ایرانیان و مسلمانان در رسانه های غرب، مخصوصا هالیوود بوده ایم، تصویری که نزد اغلب ایرانیان و مسلمانان، ناخوشایند، غیرمنصفانه، اغراق آمیز، مخدوش و کلیشه ای جلوه کرده و نزد دیگر مخاطبان، به ویژه مخاطبان غربی، تهدیدآمیز، افراط گرایانه، مشارکت گریز و آشفته بوده است. بررسی شش فیلم مرتبط با ایران نشان می دهد که هالیوود ۱۰ هدف اصلی را در مسیر ایران هراسی پیگیری می کند که عبارتند از: ارائه تصویر خشونت آمیز از فرهنگ ایرانی، تخریب تمدن و تحریف تاریخ ایران، تخریب دین اسلام و احکام اسلامی، تصویر سازی نامناسب از حاکمان ایرانی، ارائه تصویر غیر انسانی و غیر متمدن از مردم ایران، القای وجود نژاد پرستی در میان ایرانیان، القای نقض حقوق بشر در ایران در گذشته و حال، القای دشمنی ایرانیان با سایر ادیان و تمدن ها.

۲. مبانی نظری

۱.۲ مطالعات پسااستعماری

مطالعات پسااستعماری به جای تأکید بر اشغال نظامی و سیاسی سرزمین خارجی توسط استعمارگران، سلطه ی فرهنگی و رسانه ای آن ها را مورد توجه و نقد قرار می دهد. «در

بررسی نقش هالیوود در تشدید ایران‌هراسی پس از ... ۱۷۵

این رویکرد، قدرت بازنمایی های رسانه ای برای شکل گیری مفاهیم و تصورات ما درباره‌ی جهان، یک فرض نهفته و بنیادی است.»

آشپس ناندی در کتاب خود، دشمن صمیمی (۱۹۸۳)، میان دو گونه‌ی از نظر زمانی متفاوت استعمارگری، تمایز قائل می‌شود. گونه‌ی نخست، که معطوف به فتح فیزیکی کشورها بود، نسبتاً ساده لوحانه بود. درحالی که گونه‌ی دوم یعنی فتح و اشغال اذهان، هویت‌ها و فرهنگ‌ها، مکارانه تر به نظر می‌رسد. هر چند گونه‌ی اول خشونت بارتر بود، اما خودخواهی، طمع و آزمندی خود را بی‌پرده نشان می‌داد. در مقابل، پیشگامان گونه‌ی دوم عقل‌گرایان، مدرنیست‌ها و لیبرال‌هایی بودند که ادعا داشتند امپریالیسم واقعاً پیام آور موعود تمدن برای دنیای نامتمدن [و بربر] است (گانندی، ۱۳۸۸: ۲۹). در قملرو ارتباطات، مطالعات پسااستعماری همانند نظریه‌ی اقتصاد سیاسی، به سرمایه‌داری غرب به عنوان چارچوب مسلط قدرت رسانه‌ای جهانی، توجه دارد. به زعم نظریه پردازان این رویکرد، رسانه‌های غرب به دو معنا سیطره پیدا کرده‌اند: نخست، مالکیت امکانات ارتباطی و شیوه‌ی تولید رسانه‌ای، مانند تولید فیلم‌های هالیوودی و صدور آن‌ها به اطراف و اکناف جهان؛ و دوم، بازنمایی اقلیت‌های فرودست و شرقی‌ها در قالب مفاهیم و تصورات کلیشه‌ای. مفهوم نخست سلطه‌ی رسانه‌ای غرب تحت عنوان امپریالیسم فرهنگی و رسانه‌ای بازشناسی می‌شود، و مفهوم دوم سلطه‌ی به عنوان مهم‌ترین شاخص نظریه و مطالعات پسااستعماری، در بحث شرق‌شناسی ادوارد سعید، مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطالعات پسااستعماری یکی از جدی‌ترین حوزه‌های مطالعاتی جدید در زمینه فرهنگ کشورهای در حال توسعه و متمرکز بر رابطه فرهنگ و امپریالیسم در این کشورها در دوره پس از پایان حاکمیت استعماری عمدتاً غربی است.. (شیرزادیان، ۱۳۸۸: ۱۴۹).

۲.۲ شرق‌شناسی

شرق‌شناسی در تعبیری موجز عبارت از آن دسته پژوهش‌های غربیانی است که در خصوص میراث شرق و به ویژه مسائل مرتبط با تاریخ، زبان، ادبیات، هنر، عادات و سنن آن از زاویه نگاه غربیان انجام می‌پذیرد. شرق‌شناسی از نگاه عینی و تاریخی، بیان‌نوعی تسلط غرب بر شرق است (شفیعی و صادقی، ۱۳۸۸: ۱۲۹-۱۳۰). شرق‌شناسی چنین تعریف شده است: «مفهوم گفتمانی از شرق که در گرو یک دوانگاری متضاد است و در آن

مرکزیت اندیشه مدرن و روشنگرانه با غرب بوده و شرق به مثابه آن طرف دیگر رازآمیز و اغلب خطرناک است». (Hartely, 2002:170)

شرق شناسی به عنوان بخشی از مطالعات پسااستعماری ابتدا از سوی «ادوارد سعید» (۱۳۷۱) در کتاب معروفش با همین عنوان مطرح میشود. وی به همراه محققانی چون سردار (۱۹۹۹)، کریم (۲۰۰۰) و لیتل (۲۰۰۲) نشان می‌دهند که شرق شناسی ایدئولوژی مسلط در روابط غرب با جهان اسلام است. شرق شناسی روایتی واقع نما را به کار می‌گیرد که در آن واقعیت متفاوت اجتماعی و فرهنگی از شرق بدیهی انگاشته می‌شود، واقعیتی که متفاوت از همتای غربی آن است. این روایت با تلاش شرق شناسان کشف گردیده و «درست» بودن آن بدیهی انگاشته می‌شود (ایزدی و سقایی بی‌ریا، ۱۳۸۷: ۱۰۴).

شرق شناسی به مرور به این باور انجامید که جوامع مسلمان در عین این که بسیار ضعیف در نظر گرفته می‌شوند، می‌توانند از قدرت بالایی برخوردار باشند. شاهد مثال این امر، انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ بود که طبقه ی حاکم را به چالش طلبید. (Tessa, 1998).

۳.۲ کلیشه‌سازی مبتنی بر شرق شناسی

در رسانه های غرب، کلیشه های متعددی از مسلمانان ارائه شده ، به گونه ای که ذکر نام اسلام و مسلمانان، اکنون با این کلیشه ها عجین شده اند و اذهان غربی ها به صورت خودکار، در هنگام تصور و یادآوری مسلمان، این کلیشه ها را نیز تجسم می کنند. کلیشه هایی همچون عقب مانده، بدوی و بیابانی، شهوت پرست و زن باره، خشونت طلب و جنگجو. در حقیقت، کلیشه سازی از مهم ترین راهبردهای بازنمایی خود و دیگران است؛ به ویژه برای تصویرپردازی و بازنمایی دیگران در رسانه ها استفاده می شود. کلیشه سازی تعداد اندکی از ویژگی های ساده، پایدار و به سادگی قابل فهم در یک شخص را در نظر می گیرد و همه چیز درباره آن فرد را به آن ویژگی ها تقلیل می دهد و آن صفات را اغراق آمیز و ساده می سازد و ثابت و ابدی می پندارد. بنابراین کلیشه سازی تفاوت را ذاتی، طبیعی و ثابت فرض می کند» (مهدی زاده، ۱۳۸۷: ۱۹-۲۰). کلیشه سازی، یک نوع مرز نمادین را میان «نرمال» و «منحرف» و قابل قبول و غیرقابل قبول، «ما» و «دیگری» معین می سازد. (مهدی زاده، ۱۳۸۷: ۲۰).

۴.۲. نظریهٔ بازنمایی رسانه‌ای

بازنمایی واژه‌ای است که پیتر دالگران یکی از دانشمندان ارتباطی در کتاب «تلویزیون و گستره عمومی» این واژه را کالبدشکافی و تشریح نموده است. وی می‌گوید: «بعد بازنمایی، توجه ما را به تولیدات رسانه‌ای جلب می‌کند. این بعد شامل زمینه‌های ذیل می‌گردد. مطالبی که رسانه‌ها عرضه می‌کنند، نحوه انعکاس موضوعات، انواع گفتمان‌های مطرح و ماهیت مباحث و مناظرات ارائه شده، بازنمایی به ابعاد اطلاعاتی تولیدات رسانه‌ای، از جمله ابعاد نمادین و بدیع آن آثار اشاره دارد. بازنمایی در گسترده عمومی به پرسش‌هایی اساسی نظیر اینکه «چه مطلبی» باید برای انعکاس انتخاب شوند و «چگونه» بر مخاطبان عرضه گردند اشاره دارد، لذا مشاهده می‌شود بازنمایی متمایز از انعکاس محض واقعیات و رخدادهاست یعنی در بازنمایی، وقایع و رخدادها از حالت اصلی خود خارج می‌شوند، حال هرچقدر که رسانه‌ها و خبرنگاران معتقد به عینیت‌گرایی در انعکاس خبرها باشند، بازنمایی‌های انجام شده به واقعیت نزدیکتر هستند و هر مقدار که رسانه‌ها از عینیت‌گرایی به دور باشند، بازنمایی‌های آنها نیز دور از واقع خواهد بود» (سلطانی فر و هاشمی، ۱۳۸۰: ۳۰). در واقع بازنمایی از مفاهیم کلیدی در مطالعه تمام رسانه‌ها و متون است. (محمد پور، ۱۳۹۰: ۱۲۱)

رسانه‌ها با بازنمایی جهان پیرامون، بر شناخت و درک عموم تأثیر گذاشته و در نتیجه سبب تحول در ساخت اجتماعی واقعیت می‌شوند. براین اساس می‌توان گفت بازنمایی ساخت رسانه‌ای واقعیت است (مهدی زاده، ۱۳۸۷: ۱۰). مطالعه بازنمایی رسانه‌ای در مطالعات رسانه‌ای، ارتباطی و فرهنگی بسیار مهم و محوری است. از آنجائی که نمی‌توان جهان را با تمام پیچیدگی‌های بی‌شمار آن به تصویر کشید، ارزش‌های خبری، فشارهای پروپاگاندا، تهییج، تقابل (که ما را از دیگران جدا می‌سازد) یا تحمیل معنا در قالب مجموعه‌ای از پیچیدگی‌های فنی و محتوایی ارائه می‌دهند. براین اساس بازنمایی عنصری محوری در ارائه تعریف از واقعیت است. (Watson and Hill, 2006: 248).

۳. روش تحقیق

فرآیند تحلیلی مورد استفاده در این پژوهش تحلیل محتوای کیفی است اما به طور کامل بر آن منطبق نیست. تحلیل فیلم‌ها متمرکز بر سه محور روایت فیلم، تصاویر و دیالوگ‌هاست

که این قبیل داده‌ها پس از توصیف و تشریح مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این روش در زمره روش‌های کیفی تحقیق در متون رسانه‌ای به شمار می‌رود این روش در ساده‌ترین شکل، به بیرون کشیدن مفاهیم مورد نیاز پژوهش از متن مورد مطالعه می‌پردازد؛ مفاهیمی که در قالب مقولاتی منظم، سامان می‌یابند. روش تحلیل محتوا بر این فرض بنا شده است که با تحلیل پیام‌های زبانی می‌توان به کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها، شیوه‌های درک و سازمان‌یافتگی جهان دست یافت.

در این تحقیق با توجه به سؤال تحقیق، واحد تحلیل محتوا «سکانس‌های ضد اسلامی و ایرانی» بوده و برای گردآوری اطلاعات در زمینه مباحث نظری از روش کتابخانه‌ای، و تحلیل محتوای فیلم‌ها، طبق مقوله بندی صورت گرفته و مولفه‌های آن، چک لیستی تدوین شده و مورد استفاده قرار گرفته است.

تعریف مفاهیم

اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی، از اصطلاحات تازه‌ای است که به تازگی و به طور خاص، در زمینه رابطه اسلام با غرب، نسبتاً رواج پیدا کرده است. در بیان ریشه این اصطلاح باید گفت که «Islamophobia» از دو کلمه اسلام «Islam»، حرف ما بعد کلاسیک O و کلمه فوبیا «Phobia» به معنای ترس یا بی‌زاری نامعقول از چیزی تشکیل یافته است. گفتنی است که کلمه «فوبیا» دو کاربرد کلی و متفاوت دارد. گاه در روانشناسی در مورد افراد به معنای نوعی بیماری به کار می‌رود و گاه در زمینه اجتماعی و در کنار اصطلاحات مربوط به ضدیت با اقوام و ملیت‌ها استفاده می‌شود. بدیهی است که مورد نخست فاقد دلالت سیاسی است ولی مورد دوم دلالتی سیاسی دارد (مرشدی زاد، ۱۳۸۸: ۱۴). در اصطلاح رایج اسلام‌هراسی، مسلمانان به عنوان افرادی تلقی می‌شوند که با ارزش‌های غربی در تقابل هستند و به عنوان دشمن و تهدید برای ارزش‌ها و انسجام ملی به شمار می‌آیند. این واژه به تبعیض و پیش‌داوری (غیر عقلانی) ضداسلام یا مسلمانان اشاره دارد (Fredman, 1992: 121).

در نوشتار حاضر اسلام‌هراسی به مثابه پدیده‌ای ترکیبی که بتواند جامع دیدگاه‌های مختلف پیش‌گفته باشد مدنظر است و می‌توان آن را چنین تعریف کرد: «اسلام‌هراسی عبارت از نوعی تصور ذهنی نسبت به اسلام است، به گونه‌ای که مخاطب در مقابل طرح،

بررسی نقش هالیوود در تشدید ایران‌هراسی پس از ... ۱۷۹

استقرار و یا توسعه نظام اسلامی در حوزه‌ای خاص (اعم از فروملی، ملی یا فراملی) واکنش منفی (اعم از نظری یا عملی) از خود بروز دهد».

سه حادثه یا رویداد بر جریان اسلام‌هراسی در غرب تاثیر چشمگیری داشته است که در ادامه به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد:

پایان جنگ سرد: اسلام جایگزین کمونیسم

به اعتقاد برخی صاحب‌نظران همچون جوزف نای، نویسنده کتاب «قدرت نرم»، آمریکایی‌ها نقشی را به اسلام داده‌اند که پیش از این به کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی داده بودند (نای، ۱۳۸۷: ۱۲۲). در جهان غرب عاری از کمونیسم [که در دوران جنگ سرد، به عنوان تهدیدی ضد این تمدن محسوب می‌شد]، بعد از فرو ریختن دیوار برلین در سال ۱۹۸۹م. اسلام جایگزین مناسبی برای آن (کمونیسم) شده است (مهدی زاده، ۱۳۸۷: ۹۶). «نگاهی مختصر به تصویر خاورمیانه هالیوودی پس از جنگ سرد، خطوط و پستی و بلندی، چارچوب تفسیری و تعریفی را مشخص می‌کند که هالیوود از جهان ژئوپولیتیک و حمایت از لفاظی‌ها و شعارهای سیاست خارجی آمریکا ارائه می‌دهد. در این میان هالیوود نیز سهم خود را از این مسئولیت بر عهده گرفت و با ساختن مجموعه‌ای فیلم که «آمریکای احیاء شده» را ترسیم می‌کرد، از فیلم تاپ گان، به این دعوت لیبک گفت (سمتی، ۱۳۸۵: ۲۱۸-۲۱۹).

حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م.

از همان روز وقوع این حادثه، انگشت اتهام به سوی شبکه تروریستی القاعده اشاره رفت و از آن روز بود که اخبار مربوط به تروریست‌های مسلمان، در صدر اخبار رسانه‌ها قرار گرفت و اکنون با گذشت نزدیک به یک دهه همچنان خبرهایی از جهان اسلام که به نوعی از ارزش خبری «برخورد» برخوردار باشند، به طور وسیعی پوشش داده می‌شوند. «اکنون اسلام و فعالیت‌های مسلمانان خاص، دارای ارزش خبری بالا [برای رسانه‌های غربی] محسوب می‌شوند. در واقع، در مقایسه با گذشته تعداد معدودی از خبرهای مهم تر به نحوی مربوط به مسلمانان نیستند، در حالی که تعداد بسیار معدودی از خبرهای مربوط به مسلمانان در سال‌های اخیر درباره چیزی غیر از «جنگ با ترور» بوده‌اند (Poole and

Richardson, 2006: 1)

نگارندگان کتاب «مسلمانان و رسانه های خبری» معتقدند «پس از حملات ویرانگر ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م. ضد آمریکا، مسلمانان عموماً در تصویرسازی آمریکا، جایی را اشغال کرده‌اند که پیش از آن کمونیست‌ها اشغال کرده بودند. به اعتقاد کریم، صفت «اسلامی» اغلب به وسیله خبرنگاران برای توصیف فعالیت‌های محرمانه تروریست‌ها به نحوی استفاده می‌شود که در اشاره به اقدامات مشابه که توسط پیروان دیگر ادیان به‌ویژه مسیحیان و یهودیان انجام می‌شود، تصورات ناپذیر است. تصویر غالب «مسلمانان خشن»، فقط در روزنامه‌ها و تلویزیون بازتولید نشده است بلکه به عنوان بازنمایی «دیگران مسلمان» در فرهنگ پاپ، هنر، موسیقی، ادبیات، کتاب‌های درسی مدارس، گفتمان عامه و به اشکال مختلف رایانه‌ای تولید شده است. ممکن است برخی مسلمانان واقعاً چنین ویژگی‌ای داشته باشند، اما این کاملاً نادرست است که گفته شود اغلب مسلمانان این‌گونه‌اند. پس از ۱۱ سپتامبر، اسلام و مسلمانان نقش «دیگری» و دشمن را در تقویت و تثبیت هویت غربی پیدا کرده‌اند. ترسیم مسلمانان به عنوان دشمن، روایت خاصی از اسلام ارائه می‌دهد که آن را مترادف دینی منزوی، متوحش، انعطاف‌ناپذیر و تبعیض‌آمیز معرفی می‌کند که پیروانی مناسب‌همین اوصاف تربیت می‌کند. این روایت در سطح گسترده‌ای از جوامع غربی، پذیرفته شده و واکنش‌های خصمانه‌ای در این جوامع ضد اسلام و مسلمانان ایجاد کرده است.

انتشار کاریکاتورهای پیامبر اسلام (ص) در سال ۲۰۰۵م

یکی دیگر از رویدادهایی که به تقابل فرهنگی غرب و مسلمانان بسیار دامن زد انتشار کاریکاتورهای موهن از پیامبر اسلام (ص) در سال ۲۰۰۵ م. در دانمارک بود. «در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۵ م. روزنامه دانمارکی «جیلندس - پُستِن» ۱۲ کاریکاتور از پیامبر اسلام (ص) منتشر کرد. دبیر تحریریه فرهنگی روزنامه جیلندس - پستِن، به چالش کشیدن آنچه روزنامه ما آن را خودسانسوری در قبال اسلام در دانمارک می‌دید، ضروری به نظر می‌رسید (Strömbäck et al, 2008, 121-123).

شیعه‌هراسی

در سال‌های گذشته، برخی از حاکمان منطقه و نویسندگان مغرض با طرح «هلال شیعی» کوشیده‌اند حضور فعال شیعیان در عرصه سیاسی و اجتماعی جهان اسلام را هراس‌آمیز نشان دهند اصطلاح «هلال شیعی» اصطلاحی است که نخستین بار ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن، آن را در دسامبر سال ۲۰۰۴م مطرح کرد. کاربرد این واژه، مقارن با به قدرت

رسیدن شیعیان در انتخابات عراق، پس از حمله ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۳م به این کشور بود. بر این اساس به قدرت رسیدن شیعیان در عراق، تکمیل‌کننده هلالی از حوزه‌های نفوذ شیعی بود که کشورهای لبنان، سوریه، عراق، ایران، پاکستان و افغانستان را دربرمی‌گرفت؛ این مفهوم از یک‌سو نشان‌دهنده افزایش وزن شیعیان در عرصه سیاست بین‌الملل و خاورمیانه است و از سوی دیگر نوعی جهت‌دهی به حساسیت‌های منفی فضای رسانه‌ای به‌شمار می‌رود (خواججه سروی، ۱۳۹۰: ۶۰).

ایران‌هراسی

یکی از اصلی‌ترین طرح‌های عملیات روانی که در مراحل مختلف، علیه ایران به کار گرفته شده است «پروژه ی ایران‌هراسی» است. نخستین دور از این موج تبلیغاتی را پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شاهد بودیم که در آن، آمریکایی‌ها با راه‌اندازی گسترده تبلیغات ضدایرانی، انقلابی‌ها را انسان‌هایی متحجر و جنگ طلب معرفی نمود. نسل بعدی از رهبران سیاسی آمریکا پس از اشغال عراق و مواجه شدن با قدرت بی‌رقیب ایران در منطقه خاورمیانه، تلاش‌های گسترده‌ای را برای ایجاد جبهه بندی کشورهای منطقه، علیه ایران آغاز نموده‌اند تا شاید بتوانند از این طریق مانع گسترش قدرت یابی ایران و متحدانش در منطقه شوند. ایران‌هراسی اشاره به احساسات مخالفت یا دشمنی با سیاست‌ها، فرهنگ، جامعه، اقتصاد یا نقش بین‌المللی ایران دارد. همچنین ایران‌هراسی اشاره به بی‌اعتمادی، نفرت، انزجار، حسادت، تبعیض، تعصب، نژادپرستی، کلیشه، ترس یا بیزاری به ایرانیان به عنوان یک گروه نژادی، قومی، زبانی، مذهبی پذیرفته شده در سراسر جهان دارد. (طاهایی، ۱۳۸۸: ۱۳). به عبارت دیگر «ایران‌هراسی، پروژه راهبردی است که بر اساس آن، ایران به عنوان تهدیدی بزرگ در منطقه و همچنین تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی مطرح و به عنوان یک متغیر مزاحم و بازیگر اختلال‌آفرین در نظام بین‌الملل به تصویر کشیده می‌شود. ایران‌هراسان مدعی هستند که ایران به دنبال دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی خصوصاً تسلیحات هسته‌ای است تا در برابر اسرائیل دشمنی که قبلاً به این تسلیحات دسترسی دارد- از خود دفاع نماید (Nakhleh, 2009:14).

جیمز بیل پدیده ایران‌هراسی را ناشی از استقلال طلبی ایران از آمریکا می‌داند. او می‌گوید: «آمریکا سعی دارد تا از ظهور هژمون‌های استقلال طلب منطقه‌ای جلوگیری کند. هر چه رفتار آنها مستقل‌تر باشد، آمریکا فشار بیشتری بر آنها اعمال می‌کند». بر اساس این نظر، آمریکا از آن‌رو به ایجاد موج ایران‌هراسی در منطقه و جهان دامن می‌زند که ایران

سعی دارد مستقل از هژمون جهانی رفتار کرده و جهان بینی او بسیار متفاوت با ابرقدرت جهانی است. (Bill, 2001:54) از نگاه آمریکایی ها دو احتمال تهدیدآمیز از جانب ایران ممکن است منافع این کشور را در جنوب غرب آسیا به خطر بیندازد. نخست اینکه ایران در صورت دستیابی به بمب هسته ای و هسته ای شدن منطقه با مطالبات دیگر کشورها نظیر عربستان در زمینه هسته ای شدن مواجه شود. دوم اینکه در صورت حمله نظامی اسرائیل یا آمریکا به تأسیسات هسته ای ایران جهت ممانعت از هسته ای شدن ایران و تبعات و حملات تلافی جویانه ایران منافع آمریکا در منطقه را به مخاطره می اندازد. (Wood, 2012:90).

سینمای هالیوود

در سال ۱۸۵۳ با ساخته شدن یک کلبه خشتی که بعدها هالیوود نام گرفت، هالیوود شکل گرفت و نام آن توسط اچ جی وایتلی که پدر هالیوود است انتخاب شد. هالیوود در لغت یعنی کلمه "هالی" به معنای مقدس و "وود" به معنای چوب که به معنی چوب مقدس می باشد، که عصای جادوی از آن ساخته می شود و در سحر و جادو از آن استفاده می شود. این بخش حالت نمادین دارد. اما مهم است این بخش را نیز بفهمیم که هالیوود مردم را محسور خود کرده است این یک حالت رویای است. وقتی سینما پدید آمد، هالیوود به عنوان قطب برنامه سازی تصویری شکل گرفت.

از زمان شکل گیری هالیوود، یهودیان که همواره به دنبال منافع مادی و کسب سود بیشتر هستند احساس کردند که این موسسه تبلیغاتی و دیداری می تواند برایشان بیشتر مفید باشد. از این رو تصمیم گرفتند این موسسه را به یک دستگاه پولساز تبدیل کنند و طبق معمول از این درآمدها در جهت تحقیق اهداف صهیونیسم و در ورای آن رژیم صهیونیستی، حداکثر استفاده را ببرند. سینمای علمی-تخیلی طبق دیدگاه و نظریه ی اندیشه پردازان سیاسی هالیوود که غالباً یهودی بودند و با برنامه ریزی های درازمدت، مسائل سیاسی-اجتماعی را تحت نظر داشتند، عمل می کرد. سوژه بمب اتمی برای فیلم سازان هالیوود جذاب و افسون کننده و هم تحریک کننده بوده است (علوی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۳۴-۳۷). سینمای هالیوود علاوه بر پرداختن به مساله انرژی هسته ای در فیلمهای خود، در دوران جنگ سرد آمریکا و شوروی تلاش کرد تا به پیروی از دیدگاه های سیاستمداران و رهبران ایالات متحده در فیلمهای تولیدی خود نظام کمونیستی و شوروی را به چالش

بررسی نقش هالیوود در تشدید ایران‌هراسی پس از ... ۱۸۳

بکشد و کشورهای کمونیستی و بلوک شرق را در فیلمهای تولیدی خود به زندان بزرگ تشبیه کند و این شیوه به ویژه با شروع دهه ۶۰ میلادی روند شتابنده ای به خود گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) و ایشان در انقلاب بر دو مسأله مهم مهدویت و نهضت حسینی تأکید می ورزیدند، سینمای هالیوود به پیروی از سیاستمداران و رهبران ایالات متحده و صهیونیسم بین الملل واکنش هراس انگیزی نسبت به انقلاب اسلامی ایران نشان داد. تهیه کنندگان سینمای هالیوود ناگزیر بودند با تولید فیلمهای سینمایی چهره انقلاب اسلامی ایران و رهروان و پیروان این انقلاب در سایر کشورهای اسلامی همچون لبنان و فلسطین را مخدوش و از انقلاب مردمی و اسلامی ایران و نیروهای طرفدار آن در کشورهای مختلف اسلامی، چهره ای خشونت طلب، جنگ افروز و تروریست به مخاطبان و بینندگان فیلمهای سینمایی القاء نمایند. از این رو پس از مدتی چهره های شاخص فیلمسازی سینمای هالیوود برای تولید فیلمهای سینمایی با ویژگی های فوق الذکر مشخص شدند. سینما گرانی همانند استیون اسپیلبرگ یهودی، فرانسیس فورد کاپولا، فرج لوکاس و مارتین اسکورسیسی.

کارشناسان عرصه رسانه معتقدند که فیلم های هالیوودی تاثیرات چشم گیری بر مردم جهان می تواند داشته باشند که در ادامه به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱. کاهش اعتماد به نفس مخاطبین به اصطلاح جهان سومی و ترویج انقیاد و اعتماد ایشان نسبت به صاحب اصلی دنیا که به زعم این فیلم ها امریکایی ها و یهودیان هستند.
۲. ترویج خرافه گری و خرافات دینی همچون نگاه تقدیری به نظم هستی که از مشخصه های آیین یهود است، حلول شیطان در کالبد انسان ها، افسانه های خودساخته آخرالزمانی، ظهور ناجی و سفر به سرزمین موعود یعنی امریکا که صهیونیست ها آن را سرزمین موعود خود می دانند.
۳. ترویج فساد و ابتذال؛ ۴. گسترش اسلام ستیزی؛ ۵. ایجاد تصویر مثبت از یهودیان در اذهان جهانی.
۶. ترویج خشونت و وحشی گری.
۷. ایجاد تصویر منفی از مسلمانان .

بازنمایی اسلام در سینمای هالیوود

هالیوود در کنار ساخت فیلم های دارای گونه های متنوع تجاری و نیز سرگرمی سازی که یکی از شئون سینماست، کارکرد سیاسی داشته و همواره به عنوان ابزاری ایدئولوژیک مورد بهره برداری سیاسی نیز قرار گرفته است. در خصوص تصویرپردازی فیلم های هالیوود از ملیت ها و قومیت ها و پیروان ادیان گوناگون، به قاطعیت می توان گفت بخش مهمی از این تصویرپردازی، متأثر از رویکردهای سیاسی حاکم بر هالیوود است. با مروری بر آثار

رسانه‌ای عرضه شده درباره اسلام در رسانه‌های غربی، به نظر می‌رسد که در تصویرپردازی و بازنمایی اسلام و مسلمانان در این رسانه‌ها، رویکردها و استراتژی‌های رسانه‌ای خاصی پیگیری می‌شود و گفتمان ویژه‌های حاکم است. مهم‌ترین دال در تصویر ارائه شده از مسلمانان در این فیلم‌های هالیوودی، خشونت و تروریسم است که در نسبت و همنشینی با دین اسلام و آموزه‌های آن تصویر شده است، به گونه‌ای که اسلام، مروج و مؤید تروریسم دانسته می‌شود.

اغلب تصویر ارائه شده از مسلمانان بر مبنای نظریات و دیدگاه‌های تقابلی گرایانه بین شرق (به ویژه مسلمانان) و غرب است. در تصویرسازی صورت گرفته از خودی و دیگری، مسیحیان و یهودیان، در کنار یکدیگر و به مثابه خودی به شمار می‌روند و مسلمانان، دیگری بد و شروری را تشکیل می‌دهند که آرامش و امنیت خودیها را تهدید می‌کند. مسئله فلسطین و پیشینه جنگ بین رژیم صهیونیستی و فلسطینیان، از مهم‌ترین مسائلی بوده که بر تصویرسازی از مسلمانان در سینمای هالیوود سایه افکنده و اغلب به انحاء مختلف به آن ارجاع داده شده است. در فیلم‌های متمرکز بر مسلمانان، نیز شاهد کلیشه زندگی بدوی، بیابانی و عقب مانده مسلمانان هستیم. همچنان کلیشه شرق شناسانه هرزگی مردان شرق، در فیلم‌های هالیوودی دیده می‌شود. با توجه به دیدگاه‌های نظری و نیز حوادث و تحولات سیاسی و تاریخی که بر شمرده شد، می‌توان گفت نگاه سیاسی هالیوود، عصاره همان نگاه سیاسی حاکم بر دستگاه دیپلماسی و نظامی آمریکاست و تولیدات بی شمار سیاسی هالیوود این موضوع را اثبات کرده است. مسلمانان نیز از این قاعده مستثنی نیستند و دستگاه دیپلماسی و سیاسی آمریکا هر رویکردی را در قبال اسلام اتخاذ کند، همان رویکرد در هالیوود نیز در پیش گرفته می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها (یافته‌ها) توصیف محتوای ۳ مورد از مهم‌ترین فیلم‌های هالیوود

در زمینه ایران هراسی

فیلم «بدون دخترم هرگز»

فیلم بدون دخترم هرگز بر اساس کتاب بدون دخترم هرگز نوشته بتی محمودی (همسر بزرگ محمودی) و به کارگردانی برایان گیلبرت محصول ۱۹۹۱ (۱۳۷۰) آمریکا است. دکتر بزرگ محمودی (مودی) پزشکی است که سال‌های زیادی را از وطن دور بوده و به همراه همسر آمریکاییش بتی و دخترش مهتاب در میشیگان زندگی می‌کند. او که حدود ۱۰ سال است خانواده خود را ندیده است قصد دارد همسر خود را راضی کند تا به اتفاق سفری را

برای دیدار از خانواده داشته باشند. بتی حاضر نیست این خواسته را بپذیرد اما هنگامیکه دکتر محمودی برای او روی قرآن قسم می خورد که بعد از دو هفته به امریکا بر می گردند بتی که می داند قرآن در بین مسلمانان جایگاه بزرگی دارد راضی به سفر می شود. خواهر بزرگ دکتر محمودی، بتی را مجبور می کند که مانند تن کند. دکتر محمودی با اصرار خانواده تصمیم به اقامت دائم در ایران می گیرد بتی که خود را در تنگنا می بیند بتی از خانه گریخته خود را به دفتر تامین منافع امریکا در سفارت سوئیس در تهران می رساند اما در آنجا با حقایقی در خصوص قوانین ایران آشنا می شود. اینک زنان بدون رضایت کتبی از همسرشان حق مسافرت ندارند و اینک طبق قوانین ایران او به دلیل ازدواج با یک مرد ایرانی خود به خود شهروند ایران محسوب شده و باید طبق قوانین ایران عمل کند. او که شرایط بازگشت را سخت می بیند تصمیم به سازش موقت با همسر خود می گیرد سرانجام بتی و مودی به خانه (برادر و زن برادر) دکتر محمودی نقل مکان می کنند. بتی در بازار با شخصی به نام حمید آشنا می شود که خود در امریکا زندگی کرده بتی را برای خروج از ایران می بیند به او برای خروج از ایران از طریق واسطه ای به اسم حسین کمک می کند. در همین فواصل دکتر محمودی برای او بلیط سفر به امریکا می گیرد تا ضمن دیدار از پدر بیمارش، دارایی های او را در امریکا بفروشد و برای این کار حتی به او وکالت می دهد. اما بتی که به هیچ وجه حاضر نیست بدون دخترش بازگردد شب قبل از موعد پرواز به همراه مهتاب از خانه می گریزد و به منزل حسین می رود و حسین نیز شبانه شرایط را برای خروج از تهران و رفتن به مرز فراهم می کند. سرانجام بتی بعد از گذشتن از مناطق سخت گذر سرانجام با کمک کردهای بومی به ترکیه می رسد و در آخر فیلم با دیدن پرچم کشورش در سفارت امریکا در ترکیه احساس آرامش می کند.

مؤلفه ایران هراسی در فیلم های هالیوود	محور های کلی مورد تاکید	محورهای جزئی	نمونه ها
بدون دخترم هرگز	نظام اجتماعی	فرهنگ خشونت آمیز و غیر انسانی	زمانیکه بتی وارد ایران می شود آنها گوسفندی را به عنوان نذری قربانی می کنند و بتی با مشاهده این رفتار خشونت آمیز از نگاه او، غش می کند.
		جامعه آشفته، بدوی و غیر مدنی	رفت و آمد گوسفندان در خیابان بر فرهنگ بدوی و غیر مدنی ایرانیان دلالت دارد.

<p>بتی زنی مظلوم و مستاصل می شود. چهره ایرانی شوهر بتی چهره ای خشن است و او همان محمودی مهربان آمریکا نیست. مرد ایرانی بدون اینکه منتظر پاسخ همسرش در مقابل سوال بماند کنکش می زند.</p>	<p>ظلم به زنان و حاکمیت مردسالاری</p>		
<p>زنان و مردان ایرانی همگی لباس تیره بر تن دارند و زن غربی لباس روشن بر تن دارد.</p>	<p>فضای اجتماعی غم زده و گرفته</p>		
<p>بتی نمی تواند از ایران بگریزد و در محومه ای بزرگ گرفتار شده است. بتی: ما هرگز نمی توئیم از ایران بریم بیرون. ما اینجا گروگان گرفته شده ایم. آمدن ما به اینجا (سفارت سوئیس) تقریباً غیر ممکن است. نیکولا: ببین خانم محمودی! خیلی ها که پس از انقلاب برگشتند، از اینکه به ایران برگشته اند، احساس گناه می کنند. الان ایران یک کشور اسلامیه و این برای خیلی از ایرانی ها چیز بسیار شگفت انگیزیه.</p>	<p>ایران به مثابه زندانی بزرگ</p>		
<p>نمای کوچه محل زندگی خانواده دکتر محمودی در تهران، در ابتدا در روز دو مرد دستفروش را در سمت راست قاب تصویر می بینیم که مشت خرت و پرت و فرشی ایرانی در کنار آن هاست و در فضایی بسیار آشفته در کنار دیوار نشسته اند، دورتر نوجوانی چوب به دست هرهرکشان، به دنبال چند گوسفند، کلاه سفید حاجیان به سر و سربازی با لباس سبز لجنی همراه با اسلحه در پشت سر او را در حرکت می بینیم که از قاب خارج می شوند. پشت سر آن ها بر روی دیوار عکس هایی سیاه و سفید از امام و چند پوستر عکسدار اما نه واضح می بینیم.</p>	<p>تاثیر منفی انقلاب اسلامی بر ایران</p>		
<p>دکتر محمودی با چهره ای عصبانی به بتی نزدیک می شود و سیلی محکمی به او می زند و می پرسد: «کجا بودین؟» هنوز بتی پاسخی نداده محمودی سیلی دوم را هم می خواباند. بتی در حال گریه تلاش می کند توضیح دهد که برای قدم زند بیرون رفته بوده است، اما محمودی سیلی های بعدی را هم می زند و او را به دیوار و سرش را به تابلوی شمایل یکی از پیشوایان شیعه (حضرت ابوالفضل علیه السلام) می کوباند.</p>	<p>توحش و بی منطقی ایرانیان</p>	<p>دین و نظام اجتماعی</p>	
<p>در فیلم به تاثیر ناگوار انقلاب اسلامی ایران و حاکم شدن اسلام بر سرنوشت مردم ایران ارجاع داده می شود.</p>	<p>حاکمیت دین ضد انسانی و خشن اسلام بر ایران</p>	<p>دین</p>	

فیلم «سنگسار ثریا»

سنگسار ثریا م. نام فیلمی به کارگردانی سیروس نورسته محصول ۲۰۰۸ آمریکا است. این فیلم بر پایه رمانی به همین نام (۱۹۹۴) نوشته فریدون صاحب جمع در مورد سنگسار شدن ثریا منوچهری، ساخته شده که داستان آن در ۱۹۸۶ و در راستای نقض حقوق بشر و سنگسار در ایران اتفاق می افتد. شهره آغداشلو در نقش زهرا و جیم (جیمز) کاوزل - بازیگر فیلم‌های خط باریک قرمز (ترنس مالیک) و مصائب مسیح (مل گیسون) - در نقش خبرنگار فرانسوی ظاهر شده‌اند.

داستان فیلم از اینجا شروع می‌شود که روزنامه نگاری فرانسوی در سفرش به روستایی می‌رسد و اتومبیلش را برای تعمیر به هاشم، مکانیک روستا می‌دهد. توقف روزنامه نگار فرانسوی در روستا فرصتی است تا او با یک ماجرای هولناک مواجه شود؛ زنی به نام زهرا به محض دیدن روزنامه نگار او را به خانه خود دعوت می‌کند و از او می‌خواهد پای حرف هایش بنشیند. از این نقطه فیلم وارد یک فلش بک می‌شود و داستان در گذشته روایت می‌شود و خواهر زاده زهرا «ثریا» در مرکز این ماجرا قرار دارد. شوهر ثریا که یک زندان بان است قصد تجدید فراش دارد اما چون توانایی پرداخت هزینه هر دو زن را ندارد به ثریا پیشنهاد طلاق می‌دهد، ثریا وقتی حق و حقوقش را مطالبه می‌کند مرد نمی‌پذیرد و با کدخدا و روحانی ده تباری می‌کند، نقشه از این قرار است که ثریا را به خانه هاشم برای کلفتی می‌فرستند، مردی که زنش را از دست داده و به همراه فرزند ناشنوایش زندگی می‌کند و این ویژگی‌ها موقعیت را برای متهم شدن ثریا به رابطه با هاشم فراهم می‌کند. شوهر ثریا با همدستی کدخدا و ملای ده به زن بی‌گناه اتهاماتی را نسبت می‌دهند که در نهایت به سنگسار شدن ثریا منجر می‌شود.

مؤلفه ایران هراسی در فیلم‌های هالیوود	محورهای کلی مورد تاکید	محورهای جزئی	نمونه‌ها
سنگسار ثریا	روحانیت	هرزه و زنباره	پیشنهاد شیخ حسن به ثریا برای صیغه او
		دزد و طمعکار	شیخ حسن قبل از روحانیت، دزد سابقه دار زندان بوده که بعد از انقلاب اسلامی روحانی می‌شود.
		حیله گر و دغلباز	شیخ حسن به کمک علی میرود و به ثریا تهمت زنا محصنه می‌زند و از این طریق از پایگاه اجتماعی خود حفاظت می‌نماید
	شعائر	تمسخر نماز	هاشم که با بی‌عدالتی حکم به سنگسار کرده قبل از سنگسار ثریا

اسلامی	به نماز برمی خیزدو از خدا طلب حقیقت می نماید.	
اسلامی	اختلاط با خرافات	شیخ حسن: هر سنگی که به ثریا پرتاب می نماید حیثیت را به آبادی بر می گردانید
احکام اسلامی	ضد حقوق بشر	اجرای حکم سنگسار به شکل وحشیانه و خلاف موازین اسلامی
	ضد حقوق زنان	دیالوگ شیخ حسن: "همانطور که می دانید در اسلام صیغه امری پسندیده برای مردان است" دیالوگ زهرا: "صیغه همان فاحشه شرعی است" علی تهمت زنی محصنه به ثریا می زند و دادگاه معتقد است که در هر صورت زنان باید برای اثبات بی گناهی خود دلیل و مدرک اقامه نمایند
	ناکارآمدی قوانین و احکام اسلامی در تشخیص صحیح	خطاب هاشم به علی: شاهد باید معتبر باشد همراه با مدرک معتبر؛ رفقای خودت و خاله زنک های ده نمی توانی شاهد مناسبی باشی شیخ حسن خطاب به ابراهیم: قانون اسلامی حکم می کند هر کسی میتواند شاهد باشد
افراد دیندار	عبوس و زشت منظر	زنان چادری افرادی زشت رو و سیاه بودند مردان دیندار هم افرادی با ریش های بلند و چهره ای غیر مرتب به تصویر کشیده شده بودند
	افراد وحشی و غیرتمدن	علی زن خود را به دلیل صحبت با نامحرم مورد ضرب و شتم قرار می دهد
نظام فرهنگی	توحش و بربریت	زنان روستا اموال منزل هاشم را بعد از مرگ زنش غارت می نمایند
	مردسالاری	دیالوگ زهرا: "مردانی در این شهر زندگی می کنند که مانند سگ، وحشی هستند" دیالوگ ابراهیم: زهرا به مردان احترام بگذار اینها عصبانی بشوند دردسر درست میکنند. باید با اونها راه بیای
	ضرب و شتم زنان	کتک خوردن ثریا از علی و حتی پسرانش در سکانس های مختلف کتک زدن ثریا در وسط خیابان توسط علی و تحسین مردم روستا
	ضایع نمودن حقوق زنان	ازدواج مجدد علی با دختری ۱۴ ساله و ندادن نفقه به ثریا و دو دختر خردسالش
	ضد زن و زنانگی بودن	توجه علی به پسران و نادیده انگاشتن دختران و رها نمودن آنها دیالوگ فرزند علی: مادر و دخترا چی میشند؟ علی: هیچوقت فکر این زنان رو نکن
نظام اقتصادی	فقر شدید در بین عموم مردم	وضعیت اقتصادی عموم مردم در این فیلم بسیار سطح پایین و بد است
نظام سیاسی و حقوقی	نبود محکمه صالحه	محاکمه ثریا به سنگسار بدون برگزاری هیچ دادگاه و وجود هیچ
	ناکارآمدی نظام اسلامی	دیالوگ ابراهیم: زهرا اوضاع مملکت عوض شده، شاه دیگه نیست. زهرا: چه جورم نیست(همه چیز به هم ریخته)
نظام آموزشی	بیسوادی غالب مردم	هاشم سواد ندارد و شیخ حسن او را مجبور می نماید تا شهادتی را امضا نماید مبنی بر زنی با ثریا

فیلم «آرگو»

آرگو نام فیلمی سینمایی محصول کشور آمریکا به سال ۲۰۱۲ میلادی و ساخته بن افلک است. داستان این فیلم برداشت آزادی از وقایع بحران گروگان‌گیری در سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران است، که در آن ۶ دیپلمات آمریکایی توانستند از منزل سفیر کانادا در تهران به خارج از ایران بگریزند. در این فیلم بازیگرانی چون بن افلک، آلن آرکین، برایان کرانستون و امید ابطحی به نقش‌آفرینی می‌پردازند. تهیه‌کنندگان این فیلم بن افلک، جرج کلونی و گرانت هسلو هستند. آرگو نامزد هفت جایزه مختلف در جوایز اسکار ۸۵ام بود و در نهایت سه اسکار بهترین فیلم، بهترین فیلمنامه اقتباسی و بهترین تدوین را کسب کرد. این نخستین بار از سال ۱۹۸۹ بود که فیلمی بدون نامزدی برای عنوان بهترین کارگردانی، برنده اسکار بهترین فیلم می‌شد. آرگو نامزد پنج جایزه گلدن گلوب شد که دو جایزه (بهترین فیلم درام و بهترین کارگردانی) را از آن خود کرد؛ آرگو همچنین برنده جایزه بهترین فیلم از طرف انجمن تهیه‌کنندگان آمریکا شد. آرگو همچنین با ۹۳٪ امتیاز بالایی را با رای کاربران سایت راتن تومیتوس بدست آورد. آرگو همچنین جایزه‌های بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و تدوین را از مراسم بفتا به‌دست آورد.

ماجرای فیلم بدین صورت است که در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ و در گیر و دار انقلاب ایران دانشجویان پیرو خط امام به سفارت آمریکا و کارمندان آمریکایی سفارت را هم به گروگان گرفتند. از میان کارکنان به گروگان گرفته شده، تعداد ۶ نفر موفق می‌شوند از در پشت سفارت به خانه کن تیلور سفیر کانادا در ایران بگریزند. بعد از گریختن این آمریکایی‌ها جلسه ویژه‌ای در سازمان اطلاعات آمریکا برای فرار آنها صورت می‌گیرد طی این جلسه نظرات مختلفی مطرح می‌شود. ماموران به راه‌حل مناسب و عملی دست پیدا نمی‌کنند. چند روز بعد در حالی که مندز در حال صحبت با پسر خود و مشاهده فیلم سیاره میمون‌ها (نسخه ۱۹۶۸) بود ناگهان متوجه می‌شود که می‌تواند به عنوان گروهی هنرمند وارد ایران شوند که در حال ساخت فیلمی علمی تخیلی هستند و می‌خواهند فیلمی با سبک و سیاق جنگ ستاره‌ها اما در ایران بسازند. بر اساس نقشه مندز، او و ۶ نفر آمریکایی هویت یک گروه فیلمسازی را به خود می‌گیرند که برای یافتن مکان‌های فیلمبرداری فیلمی علمی-تخیلی به نام «آرگو» به خاورمیانه سفر کرده‌اند. برای واقعی جلوه دادن این نقشه مندز از عوامل حرفه‌ای در هالیوود بهره گرفت. تبلیغات این فیلم ساختگی در روزنامه‌ها و مجلات هالیوود به عنوان تولیدی از استودیو ۶ آغاز شد. مندز در طول دو روز آمریکایی‌ها را برای

بازپرسی‌های شدید آماده می‌کند و در حالی که تقریباً همه چیز مهیاست یک تلفن از سیا به او زده می‌شود که عملیات بایستی متوقف گردد. در ابتدا مندز حرف رئیس خود را با اکراه قبول می‌کند و برای رهایی از افکار مختلف رو به نوشیدن مشروبات الکلی و سیگار کشیدن می‌آورد. صبح، آمریکایی‌ها که در خانه سفیر منتظر مندز هستند تا حدودی متوجه تاخیر او می‌شوند مندز که تمام شب در حال فکر کردن و سیگار کشیدن و مشروب خوردن بود به این نتیجه می‌رسد که نمی‌تواند حرف‌های سیا را قبول کند به همین خاطر در یک تماس سریع با سیا می‌گوید که عملیات را انجام می‌دهد و تلفن را قطع می‌کند. آمریکایی‌ها وارد فرودگاه می‌شوند و با اولین بازپرس که مدارک ورود آنها به ایران را پیدا نمی‌کند مواجه می‌شوند. آمریکایی‌ها نامه وزارت فرهنگ را که نشان می‌دهد مندز می‌خواهد از ایران دیدن کند به مامور فرودگاه می‌دهد. مامور فرودگاه بدون پیدا کردن مدارک، آنها را از بازپرسی اول رد می‌کند. در بازپرسی دوم جوانی با ریش‌های بلند به آنها متذکر می‌شود که شاه رفته و آن دوران دیگر گذشته. یکی از آمریکایی‌ها که نقش کارگردان را دارد برای ایرانی‌ها درباره فیلم صحبت می‌کند و با نشان دادن فیلمنامه مصور فیلم و نشان دادن هواپیما و در آوردن صداهای مختلف توجه ایرانی‌ها را از مساله پیش رو منحرف می‌کند. جوان ایرانی پر ریش از آنها می‌خواهد فقط به زبان فارسی حرف بزنند به همین خاطر همان آمریکایی که قرار بود دو روز فقط در ایران بوده باشد شروع به فارسی صحبت کردن می‌کند که با اقبال فراوان کسی متوجه این موضوع نمی‌شود. در انتها ۶ نفر آمریکایی با هویت جعلی و گذرنامه کانادایی، از مرز قانونی ایران در فرودگاه مهرآباد خارج می‌شوند و با پرواز سوئیس ایر به اروپا می‌گریزند آمریکاهایی خوشحال از یک پیروزی دیگر در صحنه بین‌المللی می‌خواهند به مندز بالاترین نشان جاسوس آمریکا را بدهند اما چون مندز جاسوس است و نباید هویتش فاش شود در یک جلسه غیر علنی این نشان به او داده و سپس پس گرفته می‌شود و حدود ۲۰ سال بعد این نشان دوباره به مندس اهدا می‌شود. پایان فیلم با جمله‌ای همراه است که می‌گوید اگر دولت‌های جهان با هم متحد شوند می‌توانند در مقابل هرگونه خطرات ناشناخته و غیر قابل حل ایستادگی کنند و این پیروزی سند بزرگی بر این مدعا است.

نمونه ها	محورهای جزئی	محوری کلی مورد تاکید	مولفه ایران‌هراسی در فیلم‌های هالیوود
<p>در صحنه ای شاه را نشان می دهد که می گوید چه کسی گفته در ایران شکنجه وجود دارد و در صحنه بعد تصویری از امام را نشان می دهد که یک خبرنگار آمریکایی در حال نقل قول ناسزایی از قول انور سادات به امام است.</p> <p>گروگان ها از خواب بیدار می شوند و آماده برای تیرباران به سمت زیرزمین میروند، تصویری کوتاه از امام: جواب ما معلومه ما شاه رو میخوایم، بعد دانشجو: کارتر و دولتش به جنایتکاران زیادی پناه داده است، خبرنگار در حال مصاحبه با امام: آیا تا ابد اینجا خواهند ماند. امام: تا زمان بازگشت شاه در اینجا خواهند ماند.</p>	<p>بی منطق و نالایق بودن حاکمان و رهبران نظام جمهوری اسلامی</p>		
<p>آغاز فیلم با تجمع مردم ایران همراه است که در پشت در سفارت آمریکا در حال شعار دادن و آتش زدن پرچم آمریکا هستند، در این سکانس اوج نفرت ممکنه ملت ایران از آمریکا را به تصویر می کشد و در کنارش تصاویری از کارمندان سفارت که نگران وضعیت بغرنج هستند</p>	<p>توحش و بربریت مردم ایران در مواجهه با آمریکا و جامعه جهانی</p>		
<p>تصویر گروهی از مردم را نشان می دهد که دارای یک بعد مشترک هستند و آن در ظاهرشان هویداست بنیادگرایان افراطی که همگی آماده حمله به سفارت هستند در حالی که در تاریخ انقلاب حضور مردم از هر نوع گرایش و تیپ فکری در لحظه به لحظه انقلاب ثبت گردیده است.</p> <p>زنانی در خیابان‌ها نشان داده می شوند که یونیفورم نظامی بر تن داشته و بر روی آن هم چادر دارند.</p> <p>تصاویری از میدان آزادی و شلوغی و ازدحام ماشین ها در اطراف آن چهره های ناآشنا، باورهای خاص نسبت به آمریکا که بر در و دیوار مشهود است، نظامیان مسلح سوار بر کامیون در خیابان ها گشت میزنند، تصویر چند زن در حال حرکت و مندز که سرش را به کنار پنجره می آورد و مردی که از جرثقیل به دار آویخته شده است را با تعجب همراه با ترس دنبال می کند، و در انتها وارد ساختمان وزارت فرهنگ و ارشاد می شود.</p> <p>پیام فیلم: ایران دارای جامعه ای با قوانین و ظاهری جنگل وار است که قدرت و حکومت در اختیار بنیاد گرایان به شدت افراطی است، سازگاری و نقوذ به این سیستم امری غیر ممکن است اما برای آمریکا و مامور آمریکایی هر غیرممکنی ممکن است.</p>	<p>حاکمیت افراط گرایان در جریان انقلاب اسلامی ایران و سرکوب مردم در جریان آن</p>	<p>تاریخ فرهنگی (حاکمان ایران)</p>	<p>آرگو</p>
<p>صحنه‌های آغازین فیلم، به درگیری‌ها و اختلافات میان دو</p>			

کشور و به ویژه سرنگونی دولت دموکراتیک ایران و جانشینی یک نظام پادشاهی بی‌رحم و فاسد به دست آمریکا اشاره می‌کند.			
در طول فیلم، بارها رویدادهای بعد از انقلاب، نمود منفی پیدا می‌کند و تصاویری روتین از مقابله آمریکایی‌های خوب و معصوم با جمعیت معترضین ایرانی در خیابان، بازار، فرودگاه و جاهای دیگر به تصویر کشیده می‌شود.			
در این فیلم بارها به نام «مصدق» و اشتباه آمریکا در حمایت از کودتا علیه او اشاره می‌شود و به نوعی از نخست وزیر وقت -بازرگان- به عنوان فردی که مخالف تسخیر سفارت ایالات متحده بوده تقدیر میشود.	اشتباه بودن اقدام امریکایی‌ها در ساقط کردن حکومت مصدق		
ماجرای فتح لانه جاسوسی آمریکا در تهران را نه به دانشجویان که به سپاه نسبت می‌دهد. در فیلم هیچ اشاره‌ای به دانشجوی بودن فاتحان نمی‌شود، اما در این کارزار، دائم آرم سپاه به نمایش در می‌آید.	تحریف تاریخ انقلاب اسلامی و نادیده گرفتن مردمی بودن آن		
تصاویر از گروگانها به نحو وحشیانه‌ای در حال شکنجه روحی اند پاسدارها به رهبری یک روحانی جوان گروگان‌ها را به زیرزمین انتقال می‌دهند و بعد روحانی گلوله‌ها را رو جلوی پای هر کدام از گروگانها می‌اندازد سپس با آماده باش او پاسدارها آماده شلیک به سمت گروگان‌ها با تفنگ‌های خالی می‌شوند بعد با دستور روحانی همگی آتش می‌کنند.	نقش مهم سپاه و نیروهای نظامی در شکل‌گیری رویدادهای پس از انقلاب		
چهره‌های خموده، بیمار و عبوس از مردم ایران در فرودگاه سر آغاز تصویر جامعه ایرانی است که تونی تجربه میکند، مامورانی فرودگاه و پاسدارانی که آماده قلع و قمع کردن مردم هستند اولین ملاقات تونی با ماموران ایرانی است که پیش از این از کمالاتشان در سیا بسیار شنیده بود محروم شدن از «طبیعی‌ترین لذات انسان مدرن» یعنی نوشیدنی الکلی نقطه ورود تونی به ایرانی است عقب مانده.	خموده و عبوس بودن مردم ایران		

۴. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به تحلیل «فیلم‌های ساخته شده در هالیوود» آمریکا پرداخته شد. در این پایان‌نامه نقش سینمای هالیوود در تشدید ایران‌هراسی مورد بررسی قرار گرفت. برای نیل به این هدف نظریه‌های بازنمایی بررسی شده است. بدین منظور، از تلفیق دیدگاه‌های سه سنت نظری بازنمایی، مطالعات پسااستعماری و نظریه شرق‌شناسی استفاده شده است. در این بررسی، مفهوم بازنمایی در مرکز مباحث نظری قرار دارد و رویکردی مرکب از نظریات استوارت هال و میشل فوکو در مورد مفهوم بازنمایی ارائه شد. در نهایت از سومین سنت

بررسی نقش هالیوود در تشدید ایران‌هراسی پس از ... ۱۹۳

نظری با عنوان شرق شناسی، که سعی در به کارگیری مضامین بازنمایی و مطالعات پسااستعماری در حوزه مطالعات سینمایی دارد استفاده شد تا به این پرسش پاسخ دهد که «نقش هالیوود در تشدید ایران‌هراسی پس از انقلاب اسلامی ایران چگونه بوده است؟». در قسمت روش بر مبنای الگوی «روش تحلیل محتوای کیفی» میرینگ در مطالعه متون تصویری، الگویی برای تحلیل فیلم‌ها ارائه شده که در بردارنده تصویرسازی‌های سینمای هالیوود از ایران و اسلام است.

برای پاسخ به این سوال از نتایج جداول تحلیل محتوای فیلم‌ها بهره می‌گیریم که نتایجی را در اختیار ما قرار می‌دهد:

۱. تصویرسازی زنان ایرانی

زن ایرانی در فیلم‌های بررسی شده محروم و مظلوم، انسان‌هایی کم‌ارزش‌تر از مردان و زیر سلطه مطلق آنها به تصویر کشیده شده‌اند.

۲. ازنمایی مردان ایرانی

در همه فیلم‌های بررسی شده مربوط به ایران، مردسالاری و حاکمیت مطلق مردها در زندگی ایرانیان برجسته بوده است. مرد ایرانی، بسیار جدی و خشک ظاهر شده، بویژه در تعامل با زنان، بسیار خشن و نا منعطف تصویر شده است. کلیشه‌های شرق‌شناسانه همچون خوشگذرانی (زن‌بارگی) و عیاشی مردان شرقی از جمله ایرانی‌ها نیز بارز بوده است.

۳. ارائه تصویر خشونت‌آمیز از فرهنگ ایرانی

رفتار خشونت‌آمیز یکی از پر تکرارترین موارد فیلم‌های مورد بررسی بوده است و از این جهت می‌توان این استفاده تبلیغاتی از خشونت و رفتار خشونت‌آمیز را یکی از مهم‌ترین تکنیک‌های تبلیغاتی هالیوود در ایران‌هراسی دانست.

۴. تخریب تمدن و تحریف تاریخ ایران

در سال‌های گذشته یکی از محورهای اصلی مورد تاکید فیلم‌های هالیوودی تخریب تمدن و تاریخ ایرانی بوده است. در واقع بخش مهمی از فیلم‌های هالیوودی مرتبط با ایران به خشی‌سازی وجه برتری ایران نسبت به سایر کشورهای جهان اختصاص یافته است و به نوعی در آن‌ها تاریخ ایران تحریف می‌شود.

۵. تخریب انقلاب اسلامی و رهبران آن

بخش دیگری از تخریب تاریخ ایرانی به تخریب رویدادهای انقلاب اسلامی و تاریخ معاصر ایران اختصاص یافته است. در میان به طور خاص فیلم آرگو این موضوع را در دستور کار خاص خود قرار داده است اما موارد مشابه دیگری نیز در فیلم های هالیوودی وجود دارد که در این پایان نامه مورد بررسی قرار نگرفته است. بر اساس فیلم های هالیوودی، انقلاب اسلامی یک حرکت افراط گرایانه و غیر متمدنانه بوده است که خوی وحشیانه و ضد انسانی مردم و حاکمان اسلامی را به طور کامل نشان داده است.

۶. تخریب حاکمیت اسلامی و جمهوری اسلامی

فیلم های هالیوودی مورد بررسی علاوه بر تخریب انقلاب اسلامی به تخریب نتایج آن یعنی حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی نیز می پردازند. در نگاه این فیلم ها حکومت اسلامی یک تجربه شکست خورده در ایران است که نتایج منفی آن دامان شهروندان این کشور و سایر کشور ها را گرفته است. برخی از فیلم های مورد بررسی به تشدید پروژه سپاه هراسی در رسانه های غربی پرداخته اند و یا به حمایت از گروه های همسو با غرب در داخل کشور اقدام نموده اند.

۷. تخریب دین اسلام و احکام اسلامی

فیلم های مورد بررسی علاوه بر تخریب حاکمیت اسلامی، به تخریب اصل دین اسلام و احکام آن نیز می پردازند. موضوعاتی از قبیل حقوق زنان در اسلام و برخی احکام اسلامی مانند سنگسار و مناسک اسلامی مانند نماز مورد تحقیر و تمسخر قرار می گیرد. در این بخش است که پیوند میان ایران هراسی و اسلام هراسی به طور آشکارا ظهور و بروز پیدا می کند. در همین راستا بحث تخریب چهره طبقه روحانیت در ایران و بخصوص روحانیت شیعه در فیلم های مورد بررسی، پیگیری شده است.

۸. تصویر سازی نامناسب از حاکمان ایرانی

یکی از محورهای مورد تاکید در این فیلم ها، تخریب چهره حاکمان ایرانی است. بخشی از این اقدام به طور آشکارا با تخریب تاریخ و تمدن ایرانی مرتبط است اما بخش مهم تر آن با حاکمان فعلی ایران می تواند ارتباط پیدا کند. ارائه تصویر دیکتاتور و غیر دموکراتیک از حکومت های ایرانی نیز در دستور کار فیلم های هالیوودی قرار گرفته است و این اقدام منحصر به ایران پس از انقلاب اسلامی نیز نبوده است. بر اساس فیلم های مورد بررسی فرهنگ ایرانیان اساسا غیر دموکراتیک و حکومت های آن خلاف مدنیت و اصول انسانی بوده است.

بررسی نقش هالیوود در تشدید ایران‌هراسی پس از ... ۱۹۵

۹. ارائه تصویر غیر انسانی و غیر متمدن از مردم ایران

از جمله مهم ترین جلوه های ایران‌هراسی در فیلم های هالیوودی ارائه تصویر غیر متمدن و وحشی از ایرانیان است. مردمان کریمه المنظر، سیاه پوست، متوحش، عبوس و بی سواد آن چیزی است که درباره مردم ایران در فیلم های هالیوودی تصویرسازی می شود و به خوبی نشان می دهد که محور ایران‌هراسی در فیلم های هالیوودی صرفاً تخریب جمهوری اسلامی و یا حتی دین اسلام نیست بلکه این فیلم ها جامعه ایرانی و مردم آن را به شکل کاملاً منفی و ضد انسانی تصویرسازی می کنند.

۱۰. القای وجود نژاد پرستی در میان ایرانیان

یکی از محورهای فرعی اما مهم فیلم های هالیوودی القای نژادپرستی ایرانیان است. این نوع از بازنمایی رسانه ای می تواند در تکمیل هجمه های سیاسی و تبلیغاتی غرب علیه ایران کمک فراوانی داشته باشد.

۱۱. القای نقض حقوق بشر در ایران در گذشته و حال

از جمله محورهای اصلی تبلیغات دستگاه رسانه ای غرب اعم از هالیوود، القای نقض حقوق بشر بخصوص در موضوع حقوق زنان و اقلیت های دینی و نژادی است. فیلم های بدون دخترم هرگز و سنگسار ثریا به طور ویژه به نقض حقوق زنان در ایران پس از انقلاب اسلامی پرداخته اند.

۱۲. القای دشمنی ایرانیان با سایر ادیان و تمدن ها

به صورت صریح و ضمنی تاکید شده است که ایرانیان در طول تاریخ با ادیان و تمدن های دیگر سر دشمنی و ناسازگاری داشته اند و حاکمان این کشورها نه تنها در پی صلح و دوستی نبوده اند بلکه همواره شروع کننده جنگ و ها و منازعات بوده اند.

کتابنامه

- اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۸۲). انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چلی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۸). «دو چهره اسلام‌هراسی؛ سلبی و ایجابی در تبلیغات غرب»، فصلنامه رسانه، شماره ۳، سال بیستم، صفحات ۱-۱۴

ایزدی، فؤاد و سقایی بی، ریا، حکیمه (۱۳۸۷). «تحلیل گفتمان سرمقاله های روزنامه های برجسته آمریکا درباره برنامه هسته ای ایران»، ترجمه جمال الدین اکبر زاده، فصلنامه رسانه، سال نوزدهم، شماره ۱، صفحات ۱۰۱-۱۲۵.

خواججه سروی، غلامرضا (۱۳۹۰). «شیعه هراسی اولویت فضای رسانه ای غرب»، سایت باشگاه اندیشه ۲۰ آذر ۱۳۹۰.

طاهایی، علی (۱۳۸۸). «ایران هراسی، بازی جدید آمریکایی ها با اعراب»، پیام انقلاب، شماره ۳۲، صفحات ۱۵-۱۳.

طیب، علیرضا (۱۳۸۲). *تروریسم*، تهران: نی.

سلطانی فر، محمد و هاشمی، شهناز (۱۳۸۲). *پوشش خبری*، تهران: انتشارات سیمای شرق.

سمتی، محمدمهدی (۱۳۸۵) *عصر سی ان ان و هالیوود*، ترجمه نرجس خاتون براهوئی، تهران: نشر نی.

شفیعی، نوذر و صادقی، زهرا (۱۳۸۸). «شرق شناسی ادوارد سعید و جایگاه اسلام در مقابل غرب»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره چهارم، صفحات ۱۵۴-۱۲۵.

شیرزادیان، رضا (۱۳۸۸). «مطالعات پسا استعماری، نقد و ارزیابی دیدگاه های فرانتس فانون، ادوارد سعید، و هومی بابا»، فصلنامه مطالعات سیاسی، پاییز ۱۳۸۸، دوره ۲، شماره ۵: ۱۴۹-۱۷۴.

علوی طباطبایی، سید عبدالحسین (۱۳۸۶) *هالیوود و فرجام جهان*، تهران: نشر هلال.

گانندی، لیلا (۱۳۸۸) *پسااستعمارگرایی*، ترجمه مریم عالم زاده و همایون کاکا سلطانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

معمد نژاد، کاظم و مهدی زاده، محمد (۱۳۸۵). «بازنمایی ایران در مطبوعات غرب؛ تحلیل انتقادی گفتمان نیویورک تایمز، گاردین، لوموند و دی ولت»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، شماره ۳۶: ۱-۳۶.

نای، جوزف (۱۳۸۷). *قدرت نرم: ابزار موفقیت در سیاست بین الملل*، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

وحیدی فردوسی، علی (۱۳۸۸). «سیاست های رسانه های غربی در بازنمایی رخدادهای خبری؛ تبیین سیاست های خبری فاکس نیوز و سی ان ان در بازنمایی سخنرانی رئیس جمهور در دانشگاه کلمبیا»، پایان امه کارشناسی ارشد مدیریت رسانه، دانشکده صدا و سیما.

یزدانی، زهرا (۱۳۹۲). «گردش مالی عظیم هالیوود و تاثیر آن بر اقتصاد آمریکا»، روزنامه شرق ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۲.

مهدی زاده، سید محمد (۱۳۸۷) *رسانه ها و بازنمایی*، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.

Bill, James A. (2001) "The Politics of Hegemony: The United States and Iran," Middle East Policy Council, 8:3, 89-100 .

بررسی نقش هالیوود در تشدید ایران‌هراسی پس از ... ۱۹۷

- Eliade, M. Encyclopedia of Religion. Macmillan: M.P.Co 1995.
- Fredman Sandra, Discrimination and Human Rights, Oxford University Press, 1992.
- Hartely, J. (2002) Communication, Cultural and Media Studies: The Key Concepts (3rd Ed.)
New York: Routledge, Taylor& Francis Group.
- Nakhleh, Emile A. (2009) A Necessary Engagement: Reinventing America's Relations with the Muslim World, Princeton: Princeton University Press
- Strömbäck, Jesper, Shehata, Adam and Dimitrova, Daniela, Framing the Mohammad cartoons issue: A cross-cultural comparison of Swedish and US press, Global Media and Communication, 2008.
- Tessa, B. (1998), Spiritual wealth and neo-orientalism, Journal of Ecumenical Studies, Vol. 35, Issue: 1.
- http://mideast.foreignpolicy.com/posts/2012/03/07/saudi_arabia_s_shiite_problem.
- Poole, Elizabeth and Richardson, John, Muslims & News Media, I.B.Tauris & Co Ltd 2006.
- Tuastad, D. (2003), Neo-Orientalism and the New Barbarism Thesis: Aspects of Symbolic Violence in the Middle, Third World Quarterly, Vol. 24, No. 4.
- Watson, J. and Hill, A. (2006). Dictionary of Media and Communication Studies, 7th Edition, Hodder Arnold Publication.
- Wood, David (2012) "US, Iran Poised for Mine Warfare in The Persian Gulf," February 27.